

معنا و مفهوم نقش مایه‌های حیوانی در دستبافته‌های ایل افشار کرمان

مهدیه درگاهی^۱، حمیدرضا محبی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ هیئت علمی دانشگاه هنر و معماری یزد، یزد، ایران

چکیده

ایل افشاری کرمان با سابقه‌ای طولانی در زمینه بافندگی، از جمله عشایری می‌باشد که دارای دستبافته‌های متنوع و قابل توجهی هستند. جنبه هنری دستبافته‌ها ملهم از طبیعت و معناهای فرهنگی است که تجلی سادگی و بی‌پیرایگی زندگی سنتی افشارها می‌باشد. سوال این است که هدف بافندۀ عشایری افشاری از خلق نقش مایه‌ها به دلیل معانی که در پشت نقوش حیوانی وجود داشته بر روی دستبافته می‌آورده است یا به صورت ناخودآگاه نقشمایه‌ها را در چیدمان نقوش دستبافته می‌بافته‌اند؟ معانی نقشمایه‌های حیوانی برای بافنده افشاری از کدام ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی برخوردار بوده است؟ و فرهنگ قومی و شرایط اقلیمی چه تأثیری بر روی نقوش حیوانی دستبافته‌ها داشته است؟ در این پژوهش که از نظر هدف بنیادی، و از جهت ماهیت تاریخی و توصیفی است، سعی شده است که با بررسی پیشینه تاریخی و فرهنگی این دستبافته‌ها، طرح‌ها و نقشمایه‌های حیوانی آنها شناسایی و جهت استفاده تولیدکنندگان داخلی و صادرکنندگان معرفی گردند. این تحقیق از نوع کیفی بوده و روش پژوهش آن توصیفی است که غالب اطلاعات به صورت میدانی جمع‌آوری شده و سپس با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای تدوین گشته است. نتایج تحقیق نشان داد که دستبافته‌های عشایری ایل افشار کرمان دارای نقوش و طرح‌هایی ذهنی است که نشانه‌ای از عقاید، اندیشه‌ها و منابع الهام بخش زنان افشاری در طول تاریخ بوده‌اند. قدرت شکل‌پردازی این قوم محدود به مشاهدات اطرافشان بوده است و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند. نقشمایه‌های حیوانی در دستبافته‌های عشایری در واقع الهام گرفته از حیواناتی هستند که برای بافنده از ارزش و اهمیت خاصی در حفظ و تداوم زندگی برخوردار می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: ایل افشار، عشایر کرمان، دستبافته‌های عشایری، نقش مایه‌های حیوانی

۱. مقدمه

گسترده‌ی وضعیت جغرافیایی ایران، طیف متنوعی از اقوام مختلف را در خود جای داده است که هر کدام دارای فرهنگ و عناصر فرهنگی منحصر به فرد خود هستند. دستبافته‌های ایرانی به عنوان یکی از شاخص‌ترین هنر بومی ایران و مظهر تبلور عینی و ذهنی دستاوردهای فرهنگی و هنری هر ملتی است که توانسته است از زمان تولد تا حال حاضر همچون دیگر عناصر وظیفه خود را در تثبیت معرفی و دفاع از هویت ملی به خوبی انجام دهد.

ایل افشار معروفترین و مهمترین ایل بافنده استان کرمان در دوران متمدنی وارد منطقه کرمان شده است. این ایل شاخه‌ای از ایلات ترک است که در گذشته آنان را ترکمن می‌نامیدند (استون، ۱۳۹۱، ۳۶). مردمان این ایل در ترکیه و قفقاز و ایران پراکنده هستند بزرگترین گروه جمعیتی آنان در کرمان سکونت دارند. در این بین با وجود حکمرانی حکمت تبار سلجوقی بر منطقه کرمان نامی از افشارهای ترک به میان نیامده است به طوری که در کرمان صحبت افشارها از صفویه پیشتر نمی‌رود، و با اینکه یک سلسله معتبر سلجوقی از حدود ۴۴۴ هجری/۱۰۵۰ میلادی تا ۵۸۴ هجری/۱۱۸۸ میلادی در کرمان حکومت رانده‌اند و طبعاً خودشان هم از تراکمه بودند، صحبتی از طایفه افشار در کرمان و اطراف به میان نمی‌آید و تنها از عصر صفوی است که رسماً نام افشار و رجال آن در تاریخ کرمان دیده می‌شود (مؤمن کرمانی، ۱۳۸۴، ۲۶). این ایل از گذشته تاکنون در زمره اصلی ترین ایلات بافنده کرمان است و طوایف آن در منطقه سیرجان چون افشارهای پراکنده در مناطق جنوب غربی کرمان یا همان بلوک اقطاع در حیطه بافندگی عشایری بی نظیر و سرآمدند (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۹).

ایل افشاری کرمان از جمله عشایری هستند که علاوه بر داشتن پیشینه درخشان تاریخی در حوزه‌های مختلف بافندگی، دارای دستبافته‌ها و محفظه‌های عشایری و چوپانی متنوعی می‌باشند. ایل افشار سومین ایل بزرگ استان کرمان است و می‌توان گفت طایفه‌های آن بهترین و متنوع ترین نوع دستبافته‌های عشایری استان کرمان را بافته‌اند. شهرت دستبافته آنان جهانی است. زندگی روستایی و عشایری همیشه فراز و نشیب‌های فراوانی به همراه داشته است و همواره عوامل بسیاری در زندگی آنها تأثیر گذار بوده است هر کوچ عشایری، تجربیات بسیاری به آنها هدیه کرده است در این میان عوامل طبیعی و حیوانات نقش مهمی در زندگی آنها داشته و بخشی از مایحتاج آنها را تأمین می‌کنند. به طوری که علاوه بر استفاده از شیر و گوشت بز و گوسفند از پشم و موی آنها برای تولید دستبافته‌هایشان بهره می‌برند. دستبافته‌های روستایی و عشایری از جمله هنرهایی هستند که راز های بسیار نهان دارند. هر بافته دنیایی از رنگ و نقش را به خود گرفته است و این رنگ‌ها و نقش‌ها لبریز از رمز و رازها است. آنها سخن از زندگی و داشته‌ها، نداشته‌ها، آمل و آرزوها می‌گویند (سیستانی، ۱۳۹۶، ۲۱).

طرح‌ها و نقوش مورد استفاده در دستبافته‌های عشایری ایل افشار، اگر چه به صورت ذهنی وسینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، اما حاوی مفاهیم، روایات و چه بسا رازهایی هستند که بافنده با برداشت از محیط اطراف در پس این نقشمایه‌ها پنهان نموده است. در این میان گاهی این مفاهیم، نمادها و روایات چنان از یاد رفته‌اند که حتی بافنده‌هایی که امروزه آنها را می‌بافند نیز در اکثر موارد از این روایت و یا نماد پنهان در پس این طرح‌ها آگاه نمی‌باشند. نقش مایه‌های حیوانی در دستبافته‌های عشایری در واقع الهام گرفته از حیواناتی هستند که برای بافنده از لحاظ قدرت، زیبایی، تأمین مواد غذایی و کمک در حمل و نقل از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند. همچنین حیواناتی که در محیط زندگی بافندگان وجود دارند نیز می‌توانند بخشی از نقوش را به خود اختصاص دهند. این نقوش که به صورت ساده طراحی شده‌اند، حکایت از نقش مهم آنها در گذران زندگی و معیشت و پوشاک این مردم دارد که اساساً دامداری از مشاغل اصلی آنها است. چهارپایان و پرندگان در متن دستبافته بیشترین سهم را داشته و بافته می‌شوند. در تحقیق میدانی و گفتگو با عشایر و بافندگان نیز به این نتیجه رسیدم که گوسفند و بز از اهمیت زیادی برخوردار است و تمام هم و غم عشایر صرف نگهداری از ستوران خود می‌شود و تصاویر پرندگان و چهارپایان نیز مورد توجه عشایرافشاری بوده است. این پژوهش سعی دارد با تحقیق و بررسی طرح‌های حیوانی در دستبافته‌های عشایری، سهم کوچکی در احیاء هنر آنها جلوگیری از فراموش شدن تجربیات چندین ساله و خلاقیت‌ها و ذوق آنها داشته باشد.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون در مورد موضوع حاضر هیچ پژوهش رسمی و شفافی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر نخستین پژوهشی است که پیرامون عوامل مؤثر و اجتناب ناپذیر بر ذهنی بافی، نقش های حیوانی صورت گرفته است. آن چه ضرورت انجام این تحقیق را مشخص می نماید، فقدان منابع مکتوب در این زمینه و تحقیقات محدودی است که راجع به نقشمایه های ایل افشار به خصوص نقوش حیوانی صورت گرفته است.

کتاب افشار، دستبافته های ایلات جنوب شرقی ایران نوشته پرویز تناولی، مترجم امین نشاطی، مهدی چالشگر، تندر تناولی، پرویز تناولی در این کتاب به سابقه تاریخی و موقعیت جغرافیایی و بومی و مردم شناسی افشارها و اختصاصاً ایل افشار کرمان پرداخته است و دستبافته های این ایل را مورد بررسی قرار داده است.

عقیل سیستانی در کتاب خود با عنوان دایرة المعارف دستبافته عشایری و روستایی مناطق سیرجان و رابر و ارزوئیه به معرفی ایلات و دستبافته های عشایری روستایی استان کرمان و همچنین ایل افشار پرداخته است.

نویدی، دادور، شهنساری در مقاله خود تحت عنوان (بررسی طرح ها و نقوش قالی افشار باف سیرجان) با شناسایی پیشینه تاریخی و فرهنگی این دستبافته، طرح ها و نقوش استفاده شده در قالی افشار باف شناسایی و معرفی کردند.

بهارلو، آقایی، آشوری در مقاله خود با عنوان (جایگاه طرح و اصالت در نمکدان های افشاری کرمان)، با مطالعه ایل افشاری و سابقه بافندگی آن، و همچنین بررسی پیشینه تاریخی و اقلیمی و میزان تأثیرپذیری بافته هایشان از سایر نواحی به شناختی از پیرامون تولیدات آنها علی الخصوص نمکدان ها دست یافته اند.

رسول پروان در مقاله نقش تاریخی ایلات افشار و بچاقچی در شکل گیری گلیم پیچ باف در ولایت کرمان به نقش تاریخی ایلات و عشایر در ترویج گلیم پیچ باف پرداخته است.

رهبرنیا و پور یزدان پناه در مقاله خود با عنوان (تحلیل نقش و قاب حاشیه در فرش های عشایر افشار در تلفیق نگرش جورج زیمل و رویکرد بازتاب) با پرداختن به نقش و حاشیه فرش، انعکاس جامعه و نوع اداره آن را بر موزون و متقارن بودن هنر فرش بافی جوامع عشایری جستجو می کند.

پایان نامه سبک شناسی فرش و دستبافته های جنوب استان کرمان براساس اقوام ساکن در منطقه توسط هانیه مهدی پور ارشلو، هدف نویسنده از انجام این پژوهش بررسی سبک شناسی فرش و دستبافته های مناطق بافندگی شهرستان جیرفت از نظر طرح و نقش، نوع دار، نوع گره، شیوه بافت، رنگ و رنگرزی، براساس اقوام ساکن در منطقه بوده است.

۳. روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت روش به صورت توصیفی و به شیوه مطالعه موردی انجام شده است. در این پژوهش دستبافته های افشاری کرمان برای مطالعه انتخاب گردید. شناسایی طرح ها و نقوش از طریق مطالعه کتابخانه ای و میدانی، بازدید و مصاحبه با بافندگان قدیمی افشاری و تولید کنندگان بازاری انجام گرفت.

۴. تاریخچه و نظام اجتماعی ایل افشار

افشار نام یک گروه بزرگ قومی عشایری از اقوام ترک زبان ایران است. این قوم یکی از نیرومندترین ایلات ترک زبان در تاریخ ایران به شمار می رفته است. امروزه بیشتر طایفه های افشار در شهرها و روستاهای ایران اسکان یافته اند و فقط گروه های کوچکی از آنها شیوه چادرنشینی و کوچندگی خود را حفظ کرده اند و بیلاق و قشلاق می کنند (بلوک باشی

۱۳۷۹، ۴۹۲). تاریخ دقیق مهاجرت افشارها به کرمان و مبدأ مهاجرت آنها روشن نیست؛ قدیمیترین خبر از کوچ افشارها به کرمان از زمان به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول به بعد بوده است. نخستین گروه افشار ظاهراً طایفه قاسملو بود که در حدود سال ۹۱۶ ق. به کرمان مهاجرت کردند. افشار کرمان تا زمان کریم خان زند قدرت داشتند (همان، ۴۹۶).

نظام اجتماعی ایل افشار به مانند عشایر دیگر، بر پایه انسجام و یکپارچگی است. ایشان بنا بر شرایط زندگی اجتماعی خود در طول نسل های متمادی اینگونه تربیت شده اند تا با هم متحد و هم پیمان باشند، زیرا در غیر این صورت یارای مقابله با سختی ها و دشمنان را نخواهند داشت. بنابراین، تک روی، فردگرایی و تفرق در بینشان معنی ندارد و این نظام به صورت غریزی در بین این ایل و دیگر عشایر کوچنده حاکم است. اکنون بیشتر ایلاتی که در کرمان ساکن بودند، یک جانشین شده اند و برخی نیز نیمه کوچنده هستند و به زندگی بیلاقی قشلاقی ادامه می دهند نظام ایلیاتی در میان آنها به صورت گذشته وجود ندارد ولی آثار بازمانده از دوران پدرسالاری در میان آنها دیده می شود و هر طایفه رئیسی دارد که او را سلطان خطاب می کنند. بنابراین اتحاد و یکپارچگی هنوز در زوایای مختلف زندگیشان به چشم می خورد و همگی تابع قوانین حاکم بر طایفه هستند. اگرچه در حال حاضر تعداد قابل توجهی از افشارهای کوچرو یکجا نشین شده اند، اما سنت فرش بافی آنها همچنان مطابق زمان کوچ نشینی باقی است. شهرهای شهربابک، سیرجان، بافت، رابر و نواحی غرب جیرفت مهمترین مراکز بافت قالیچه های افشاری اند. آن دسته از عشایر ایل افشار که هنوز دارای زندگی کوچ نشینی هستند و در دشت های بین سیرجان و بافت زندگی می کنند، بخش دیگری از تولیدات و دستبافته های عشایری استان کرمان را به خود اختصاص می دهند (رهبر نیا، پور یزدان پناه، ۱۳۸۹، ۱۰۷).

مردمان این ایل ترک زبان از دیرباز در اوج صلح با هم زندگی سراسر مهر و با صفایی داشتند و در کنار این زندگی مثال زدنی دستبافته های زیبایی را خلق می کردند که شهرت جهانی دارند. نقوش دستبافته ها بازگو کننده و بیان کننده بسیاری از باورها و اعتقادات مردم روزگاران است که متأسفانه در چادرهای عشایر و در میان زیراندازها و سایر وسایل زندگی، تنها و مهجور مانده اند. به طور کلی انواع زیراندازهای عشایری، دارای طرح ها و نقوش بسیار زیاد و همچنین متنوع می باشند، و از آنجایی که تمام این طرح ها و نقوش ذهنی بوده، و نتیجه ابداع و خلاقیت عشایر هستند، به صورت ساده و هندسی می باشند و به علت اینکه براساس نقشه قبلی بافته نمی شوند از خطوط شکسته و هندسی برخوردارند و همه این ها از عقاید، روحیات، باور داشته ها و ذهنیات عشایر سرچشمه می گیرند. تنوع رنگ و نقش بستگی به ذوق و ابتکار بافنده دارد بافنده عشایری افشار بنا به ذوق و سلیقه ی خویش و به صورت ذهنی طرح و نقشی را که با روحیه ی او و باورها و ذهنیاتش سازگار است، انتخاب نموده و می - بافند. حیواناتی که در محیط زندگی بافندگان وجود دارند نیز می توانند بخشی از نقوش را به خود اختصاص دهند. این نقوش که به صورت ساده بافته شده اند، حکایت از نقش مهم آنها در گذران زندگی و معیشت و پوشاک این مردم دارد که اساساً دامداری از مشاغل اصلی آنها است. چهارپایان و پرندگان در متن دستبافته بیشترین سهم را داشته و بافته می شوند که به آن پرداخته می شود.

۵. نقش مایه شیری

نقش شیری، یکی دیگر از طرح های بافته شده در مناطق عشایری و روستایی استان کرمان است این طرح با ساختارمختلفی، گاهی به صورت واگیره ای / سراسری و ترنجی، در تلفیق با سایر نقوش و طرح های بومی این منطقه بر زمینه دستبافته، بافته شده و به خاطر حاکمیت نقش شیر در آن به شیری نیز معروف است. طرح شیری بیشتر در مناطق بافت به دست برخی از طوایف ایل افشار بافته شده است.

یکی از نمادهایی که در فرهنگ و هنر ایران زمین بسیار برجسته بوده و از آن به عنوان نماد ایرانی یاد می شود نقش شیر است از آنجایی که شیر خود نماد ملی ایرانیان است نسبت به سایر حیوانات سهم بیشتری برای حضور در زمینه دستبافته ها پیدا کرده است. گواه این ادعا نقش شیر به صورت تجریدی و تنه‌است که در دستبافته های افشاری بافته شده است. این موضوع نشان از علاقه خاص بافنده افشاری نسبت به این حیوان نمادین است. از معانی نماد شیر می توان از آتش، ابهت، پارسایی، پرتو خورشید، پیروزی، تابستان، دلاوری، روح زندگی، سلطنت، شجاعت، قدرت و قدرت الهی، گرمای خورشید نام برد. نقش شیر که از دیرباز به عنوان نماد سروری و رهبری در گونه های بسیاری از آفرینش های هنرمندان ایرانی تکرار شده و به امروز رسیده است از طریق نیروی تخیل و ابداع هنرمندان و بافندگان هنر قالیبافی بر متن قالی جای گرفته است (تناولی، ۱۳۷۱، ۱۹).

افشاری ها برای اینکه برازندگی و جلوه خاصی به چادر عشایری و دستبافته خود بدهند بر روی متن دستبافته خود طرح شیر را می بافتند و علاوه بر نگهبانی از چادر، نشانی از دلیری و غرور صاحب چادر است. از شکل تصویری شیر به منظور تجسم یک منبع قدرت ماندگار مردانگی و شهامت استفاده میکردند. نقش شیر که در میان بافته ها دیده می شود این نقش در گذشته مورد توجه مردم ایل بوده و به دلیل اهمیتی که شیر در فرهنگ ایران باستان داشته است و طبق نوشته های سیروس پرهام: شاید به واسطه ارتباط تمثیلی است که میان این حیوان قوی پنجه و دلاوری حضرت علی (ع) موجود بوده و ممکن است فراوانی این حیوان در مناطق عشایر نشین این علاقه را بوجود آورده است.



شکل ۱- پشته عشایری ایل افشار با نقشمایه شیر (نگارنده) شکل ۲- پشته عشایری افشاری با نقش شیری (سیستانی، ۱۳۹۶، ۳۰)

۶. نقشمایه سم گاوی یا شتری، آچاری

این نقش گل مانند، که اغلب شکل هشت ضلعی دارد، ما حصل تصور بافنده از رد پای حیواناتی مانند گاو، اسب، شتر، فیل و ... بوده و همواره با نقش صلیبی شکلی بر زمینه دستبافته به کار رفته است و با نام هایی چون سم گاوی، آچاری و سم اسبی نیز خوانده می شود. در برخی از بافته ها نیز عاری از نقش صلیبی شکل است. تلقی بافنده از این نقش رد پای شتر و فیل است و با نامهایی چون پا شتری، پا فیلی و فیل پا نیز خوانده می شوند، که البته در مناطق فارس باصربها این نقشمایه را شب شتری میخوانند (پرهام، ۱۳۷۵، ۱۴۲). این طرح در حوزه بافت و در بعضی از طوایف ایل افشار گوغر و فتح آباد بافته شده است.



شکل ۳- قالیچه عشایری ایل افشار طرح سم گاوی یا سم شتری (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۰۷)

۷. نقش ماهیه بالغ یا بالیق، بالیق

نقش بالغ، یکی از قدیمیترین و اصیلترین طرحهای افشاری است که به نام بالیق یا بالغ و در گویش ترکی به معنای ماهی (سمک) شناخته شده است. شکل ماهی به عنوان نشانه ای برای آب و آبادانی طراوت، تازگی و پاکی استفاده شده است و به مرور بین عشایر به بالغ معروف شده است. در اغلب مواقع اصلی ترین نقش این طرح در اطراف ترنج جا گرفته و در طی زمان ساختارهای انسانی و ماهی و اغلب مرغ مانند به خود گرفته است. پرویز تناولی، این نمونه طرح را بته، نگاره متخلخل و هیأت های انسان گونه و آدم های ماهی گونه یاد کرده است (تناولی، ۶۳، ۱۳۸۹).

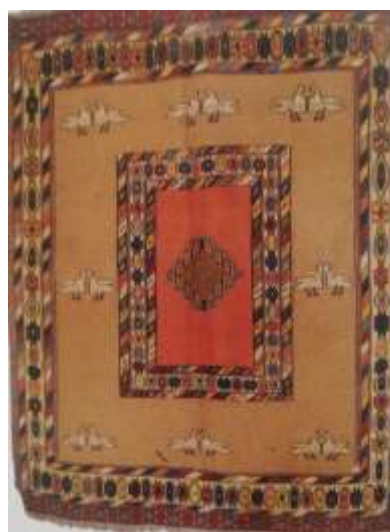
از دیگر نمادهای ایرانی مرتبط با هویت ملی که میتوان آنرا در نقوش هنر ملی جستجو کرد نقش «ماهی» است. در نقش ماهی در هم دو یا چهار ماهی به دور حوضی می چرخند. ماهی نماد پاکی، طهارت نفس به دلیل ارتباط دائمی با آب، حاصلخیزی و باروری بود و به عنوان نگهبانی برای قصرهای پادشاهان دانسته میشد. (سیستانی، ۸، ۱۳۸۷). طی تحقیقات میدانی، طرح بالغ اغلب بین ایلات افشار و بچاقچی در مناطق بافت و سیرجان و در محدوده های مشخص دهستانهای چهارگنبد، گوغر، فتح آباد و دشتاب کاربرد داشته است.



شکل ۴- خرجین عشایری افشاری طرح بالیق (ماهی) (سیستانی، ۶۳، ۱۳۹۶)

۸. نقش مایه طاووسی

یکی دیگر از پرندگان ایرانی که نمودی از شناسنامه فرهنگ و هنر ایرانی به شمار می رود، طاووسی است، مرغی که به پرندۀ بهشتی نیز مشهور است. در برخی فرهنگ ها، مفهوم فخر و غرور را بیان می کند طاووس این پرندۀ زیبا، بعلت گونه گونی رنگ پرها و رنگ آمیزی شگفت انگیز و چشمگیر خود، مورد توجه بافندگان افشاری قرار گرفته است. بافندگان معمولاً طاووس را در کنار گل ها، گلدان و پرندگان دیگر در متن گلیم قرار می دهند، گاهی این نقش طاووس را در حالتی ایستاده نشان میدهد که چتر خود را بسته است. وجود نقش طاووس در میان نقوش افشاری جلوه ای خاص به دستبافته می بخشد. این پرندۀ نشانه عشق، بشارت، شادمانی، لذت و نیز مظهر نیرو و قدرت است. از طرح های مناطق عشایری و روستایی استان کرمان، به خصوص مناطق شهر بابک و بافت، است که بافندۀ بومی هر منطقه با الهام از شکل طاووس، ترکیب های مختلفی از آن را به صورت واگیره ای، ترنجی و ... بر زمینه های اغلب روشن و کرم بافته اند. از نمونه های تلفیقی این طرح به طاووسی ترنج دار و طاووسی گل چغندری باید اشاره کرد. طاووسی در منطقه بافت بیشتر در روستاهای اطراف دهستان های گوغر و فتح آباد به دست طوایف ایل افشار بافته شده است (سیستانی، ۱۳۹۶، ۴۵) نقش مایه طاووس به گفته بافندۀ افشاری همدم زانی است که از شوهرانشان دور مانده اند، طاووس نشانه آسمان پر ستاره است و اکثراً در قالب های مربع یا لوزی که کنایه قدیمی ماه است، پدیدار می گردد.



شکل ۵- سفره و قایچه عشایری ایل افشار با نقشمایه طاووس (سیستانی، ۱۳۹۶، ۵۶)

۹. نقش مایه جیران (آهو)

جیران نمادی از دشتهای خرم و سرسبز است که در میان نقوش صحرایی جای گرفته است. در میان لالایی هاو شعرهای سنتی عشایر، انسان های زیبا و چشم درشت و زیبا به آهو تشبیه شده اند در میان داستان های مذهبی شیعه، آهو حیوانی است که از چنگ صیاد به دامان امام رضا (ع) پناه برده است بنابراین نقش آهو در میان نقوش حیوانی دارای ارزش معنوی است. بافندگان آهو را در حالت ایستاده در میان گل ها در متدستبافته و گاهی در حالت دویدن و جهش به صورت پیوسته در حاشیه نقش می کنند.



شکل ۶- قالیچه ایل افشار با نقشمایه جیران (آهو) (نگارنده)

۱۰. نقش مایه شاخ قوچ

حیوانات شاخدار ساده شده که بیشتر حالت بازنمایی بز و یا جیران و مارال را دارد که در زندگی عشایر بسیار مهم می- باشد. گوزن، قوچ و جیران سمبل زایش و باروری و نمادی از آب و مرتع نیز هستند. حیوانات شاخ دار در ابتدا به لحاظ شباهت ظاهری شاخ با هلال ماه، از نمادهای ماه محسوب می شدند. نیروی جاودانگی شاخ قوچ مظهر مردانگی، باروری نرینه، قدرت و شجاعت است. زن هنگام بافتن این نگاره امیدوار است که نیروی شوهرش زوال ناپذیر شود و قدرتش بر زمانه فایق آید. گمان میرود که این نگاره از نقش مارپیچی که نشانه جاودانگی است سرچشمه گرفته باشد. شاخ قوچ نمادی از تولد است (هال، ۱۳۷۷، ۷۷). گاهی نقش شاخ قوچ به صورت پیوسته و متصل به یکدیگر در میان حاشیه دیده می شود. در اصطلاح محلی میان بافندگان سیرجان نقش شاخ قوچ در حاشیه به نام مورچه نیز خوانده می شود.



شکل ۷- توبره عشایری افشاری طرح کله قوچی (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۵۵)

۱۱. نقش مایه بز

نقش بز نمادی از ثروت، برکت و زندگی و نعمت از طرف خداوند است. نقش میش و بز در میان بافندگان افشار جایگاه ویژه ای دارد و در اغلب آثارشان این نقش به چشم می خورد چرا که این حیوان منبع اصلی خوراک و پوشاک و درآمد آنها محسوب می شود. جایگاه دام در زندگی عشایر و نقش آن بر دستبافته های عشایری نشان از اهمیت این حیوان دارد که در ذهن و دید زنان افشاری حک شده است و گویی بافنده قصد به رخ کشیدن دام هایش را داشته است و با این کار می خواسته آرزویش را داشتن دام های سر حال و قبراق بیان کند. زنان بافنده به دام هایشان همانند فرزندان خود علاقه دارند و در نگهداری از آنها از هیچ کوششی دریغ نمی کنند. توجهی که در دستبافته ها به بز و گوسفند شده و حضور مستمر آنها، این مطلب را ثابت می کند.



شکل ۸- سفره عشایری افشاری طرح بز (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۹۸)

۱۲. نقش مایه شتر مرغ

شتر مرغ، یکی از طرح های اصیل و منحصر به فرد و فوق العاده زیبای افشاری است. طرح مرغی از جایگاه مهمی در بین افشارها برخوردار بوده است به این دلیل که نماد قدرت هستند اغلب به عنوان محافظ و نگهبان در ورودی قصر ها و یا آرامگاه ها تصویر شده اند. اصالت این طرح به ایلات ترک تبار افشار و بچاقچی که شاخه ای از افشار است می رسد شتر مرغ، از جمله طرح هایی است که برخی ایلات و طوایف در حوزه خاص و مشخصی آن را بافته اند (سیستانی، ۱۳۹۶، ۲۹). پس باید گفت این طرح از نمونه طرح های فراگیر این قوم نبوده است. سیسیل ادواردز درباره این طرح نوشته است: طرح مرغی اگرچه ظریف ترین طرح افشاری نیست، ولی ماهرانه ترین طرح عشایری است (ادواردز، ۱۳۶۲، ۳۱۰). طرح مرغی در مرز مشترک مناطق بافت، سیرجان و بردسیر، در محدوده دهستان های چهارگنبد، کوه پنج، گوغر و فتح آباد در بین ایل افشار رواج داشته است و به دست ایل افشار بافته می شده است.

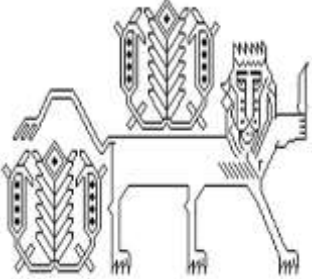



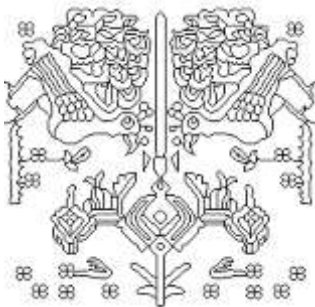

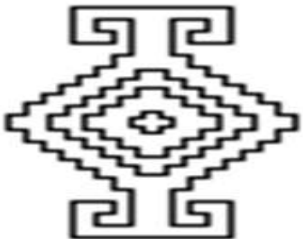

شکل ۹- قالی عشایری ایل افشار با نقشمایه شتر مرغی (سیستانی، ۱۳۹۶، ۲۶)


۱۳. آنالیز خطی و معنی و مفهوم نقش مایه ها

در قسمت قبل به شناسایی و معرفی نقشمایه های حیوانی در دستبافته های ایل افشار کرمان پرداخته شد این پژوهش با جستجو و بررسی نقش مایه های حیوانی دستبافته های ایل افشار سعی داشته که معانی نقشمایه ها را که بافنده های عشایری افشاری با ذوق و سلیقه خود با الهام از طبیعت پیرامون می گرفتند و بر روی دستبافته هایشان می یافتند را آشکار سازد.

جدول ۱- آنالیز خطی و معنی و مفهوم نقشمایه های حیوانی

| نقشمایه | معنی و مفهوم نقشمایه | آنالیز خطی |
|--------------------------|--|---|
| نقشمایه شیری | از معانی نقش شیر میتوان از آتش، ابهت، پارسایی، پرتو خورشید، پیروزی، تابستان، دلاوری، روح زندگی، سلطنت، شجاعت، قدرت و قدرت الهی، گرمای خورشید و علاوه بر نگهبانی از چادر، نشانی از دلیری و غرور صاحب چادر است. |  |
| نقشمایه بالغ، بالغ، بالغ | شکل ماهی به عنوان نشانه ای برای آب و آبادانی طراوت، تازگی و پاکی استفاده شده است. ماهی نماد پاکی، طهارت نفس به دلیل ارتباط دائمی با آب، حاصلخیزی و باروری بود و به عنوان نگهبانی برای قصرهای پادشاهان دانسته میشد همواره ترنج آن به نقوش شاخ قوچکی شکل آراسته شده است که تمثیل ترنج به حوضی در وسط یک باغ، بهترین توصیف برای آن است. |  |

| | | |
|---|---|------------------------|
|  | <p>وجود نقش طاووس در میان نقوش افشاری جلوه ای خاص به دستبافته می بخشد. این پرنده نشانه عشق، بشارت، شادمانی، لذت و نیز مظهر نیرو و قدرت است.</p> | <p>نقشمایه طاووسی</p> |
|  | <p>جیران نمادی از دشتهای خرم و سرسبز است که در میان نقوش صحرایی جای گرفته است. در میان لایه ها و شعرهای سنتی عشایر، انساهای زیبا و چشم درشت و زیبا به آهو تشبیه شده اند.</p> | <p>نقشمایه جیران</p> |
|  | <p>نیروی جاودانگی شاخ قوچ مظهر مردانگی، باروری نرینه، قدرت و شجاعت است.</p> | <p>نقشمایه شاخ قوچ</p> |
|  | <p>نقش بز در نگاه بافنده نمادی از ثروت، برکت و زندگی و باروری بوده است. نقش میش و بز در میان بافندگان افشار جایگاه ویژه ای دارد و در اغلب آثارشان این نقش به چشم می خورد چرا که این حیوان منبع اصلی خوراک و پوشاک و درآمد آنها محسوب می شود</p> | <p>نقشمایه بز</p> |

| | | |
|---|--|------------------------|
|  | <p>این نقش برگرفته از شترمرغ است، بافنده ها این طرح را بر روی دستبافته های خود می بافتند اصالت این طرح به ایلات ترک تبار افشار می رسد. نقشمایه پرندگان جایگاه مهمی در بین بافندگان افشاری دارد به این دلیل که نماد قدرت هستند اغلب به عنوان محافظ و نگهبان در ورودی قصر ها و یا آرامگاه ها تصویر شده اند</p> | <p>نقشمایه شترمرغی</p> |
|---|--|------------------------|

۱۲. نتیجه گیری

با بررسی طرح ها و نقوش حیوانی دستبافته های ایل افشار، به این امر رسیدیم که اغلب بافندگان، علاوه بر جنبه زیبایی و تزئینی اثر، به بیان باورها، عقاید، علایق و افکار خود در آنها پرداخته اند. اینان از پدیده های طبیعی پیرامون خود الهام گرفته و آنها را به صورت تجربیدی به کار برده اند. دستبافته های ایل افشار حاوی مضامین فرهنگی و گستره ای از مؤلفه های ارزشی و زیبایی شناسی ناب است. نقش و نگاره ها هویت فرهنگی ایل افشار را مشخص می کنند با بررسی نقوش حیوانی و آثار خلق شده توسط بافنده، توانستیم به هنر و فرهنگ این ایل پی ببریم. در نتیجه جامعه عشایری ایل افشار که در دامان طبیعت زندگی می کند، هنگامی که با اشیا و محیط اطرافش برخورد می کند، می خواهد آنها را با آنچه در ذهن دارد هماهنگ کند پس آنها را به صورتی موزون و متقارن و برخوردار از نظمی چشم گیر نشان می دهد. که هویت و اصالت خود را حفظ کرده اند. بیشترین نقوشی که در دستبافته های عشایری ایل افشار کرمان به چشم می خورد نقش مایه های زیبایی از حیوانات است. نقوش دستبافته های این عشایر برگرفته از فرهنگ و شرایط زندگی آنان است تمام این طرح ها و نقوش ذهنی بوده، و نتیجه ابداع و خلاقیت عشایر هستند، به صورت ساده و هندسی می باشند و به علت اینکه براساس نقشه قبلی بافته نمی شوند از خطوط شکسته و هندسی برخوردارند و همه این ها از عقاید، روحیات، باور داشته ها و ذهنیات عشایر سرچشمه می گیرند.. علاوه بر آن، این نقوش زیباشناسی خاص خود را دارند که متعلق به اقلیم و باورهای آن منطقه است افشارهای روستانشین و کوچ رو تحت تأثیر معاشرت با طبیعت هستند. قدرت شکل پردازی این قوم محدود به مشاهدات اطرافشان بوده است. طرح ها و نقوش مورد استفاده در دستبافته های عشایری و روستایی افشار به صورت ذهنی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده اند این طرح های غالباً ذهنی باف، ریشه در باورهای قومی هر منطقه دارد. هنوز در لا به لای نقشمایه های افشاری ردپای آثار هنری پیش از تاریخ را می توان مشاهده کرد که نسل به نسل منتقل شده اند. در این این پژوهش نگارنده سعی داشته با جستجو و بررسی در نقشمایه های حیوانی و معانی و مفهوم نقشمایه ها را که بافنده های عشایری افشاری به صورت خود آگاهانه و تجسم از طبیعت و محیط با ذوق و سلیقه خود با الهام از طبیعت پیرامون می گرفتند به صورت ذهنی و بدون نقشه که بر روی دستبافته هایشان می بافتند را آشکار سازد.

مراجع

۱. استون، پتراف، (۱۳۹۱)، فرهنگنامه فرش شرق، مترجم بیژن اربابی، انتشارات جمال هنر، چاپ اول
۲. مؤمن کرمانی، ملامحمد، (۱۳۸۴)، صحیفه الارشاد، تصحیح و تحشیه و مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، نشر علم، چاپ اول
۳. سیستانی، عقیل، (۱۳۹۶)، دستبافته عشایری روستایی منطقه سیرجان، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، جلد اول، چاپ اول
۴. سیستانی، عقیل (۱۳۹۶)، دستبافته گلیم باف سیرجان، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، جلد دوم، چاپ اول
۵. بلوک باشی، علی (۱۳۷۹)، تاریخ اجتماعی و سیاسی شاهسون کوچندگان مرزنشین ایران، نشر دانش شماره ۹۶
۶. رهبرنیا، زهرا، پور یزدان پناه، بهاره، (۱۳۸۹)، تحلیل نقش و قاب حاشیه در فرش‌های عشایر افشار در تلفیق نگرش جورج زیمل و نگرش بازتاب، مجله علمی پژوهشی گلجام
۷. تناولی، پرویز، (۱۳۷۰)، نان و نمک، تهران: انتشارات کتابسرا، چاپ اول
۸. تناولی، پرویز، (۱۳۸۹)، افشار؛ دستبافته‌های ایلات جنوب شرقی ایران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر و مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، چاپ اول
۹. پرهام، سیروس، (۱۳۷۱)، دستبافته‌های عشایری و روستایی فارس، با همکاری سیاوش آزادی، تهران، انتشارات امیر کبیر، جلد دوم، چاپ اول
۱۰. پرهام، سیروس، (۱۳۷۵)، شاهکارهای فرش‌بافی فارس، تهران: انتشارات سروش
۱۱. هال، آلستر، وویوسکا، جزوه لوچیک، (۱۳۷۷)، گلیم؛ تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی، مترجمین: شیرین همایون فر و نیلوفر الفت شایان، چاپ اول، نشر کارنگ
۱۲. ادواردز، سیسیل، (۱۳۶۲)، قالی ایران، ترجمه مهین دخت صبا، انجمن دوستداران کتاب: تهران